



The position of the Qur'an and theological beliefs in hadith jurisprudence

Seyed Mahdi Mortazavi^a, Amir Hossein Rafizadeh Akhavian^{b*}

^aPhd, Theology Instructor, University of Quran and Progeny, Isfahan, Iran

^b PhD candidate of Qur'anic and Hadith Sciences, Theology, Maybod, Maybod, Iran

KEYWORDS

Quran,
Hadith,
science of discourse,
Hadith jurisprudence

Received: 08 July 2023;
Accepted: 21 August 2023

Article type: Research Paper
DOR:20.1001.1.28212495.1402.2.2.5.1

ABSTRACT

Hadith has a high position in the religion of Islam and plays an important role in presenting the concepts of the religion. Many of the teachings of Islam are taken from hadiths, so much that it can be claimed that hadiths are the second source of religion after the Qur'an. Failure to understand the meaning and incomplete understanding of hadiths is tantamount to their absence. The Prophet and his Ahl al-Bayt stressed on the correct understanding of hadiths, and this in itself clarifies the necessity of the science of hadith jurisprudence, because the wrong understanding and interpretation of the sayings of Imams throughout history has led to the emergence of sects and deviant practices. Thus, hadith Muslim scholars have had an important concern in discovering and identifying the meaning and purpose of the Masum since the very beginning of the issuance of hadith. A correct and authentic understanding of hadiths requires reliable sources neglecting which will cause a lack of understanding or a wrong understanding of hadiths. In the understanding of traditions, hadith experts and scholars have always used the Qur'an as the main source of theology and theological beliefs throughout history under such titles as religious certainties and the essentials of religion. The results of this research indicate that it is possible to recognize many false narrations, hadith priorities, and possible meanings of hadiths by using the Qur'an, and achieve other aspects of the meanings of hadiths by referring to theological beliefs.

* Corresponding author.
E-mail address: arafizadeh110@gmail.com
©Author





جایگاه قرآن و باورهای کلامی در فقه الحدیث

سید مهدی مرتضوی^{الف}، امیرحسین رفیع زاده اخویان^{ب*}

^{الف}دکتر، مربی، علوم قرآن و حدیث، الهیات، معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران

^بدانشجوی دکترا، علوم قرآن و حدیث، الهیات، میبد، میبد، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
حدیث در دین مبین اسلام دارای جایگاه والایی است و نقش مهمی در ارائه مفاهیم دین دارد. بسیاری از آموزه‌های دین اسلام از احادیث و روایات گرفته شده است تا آنجا که می‌توان ادعا کرد روایات در ردیف دوم از منابع دین پس از قرآن است. عدم درک مقصود و فهم ناقص از روایات در حکم نبود آنهاست. پیامبر و اهل بیت مطهر ایشان بر فهم درست از روایات تاکید داشته و این خود ضرورت علم فقه الحدیث را روشن می‌سازد چه آنکه فهم و تفسیر نادرست فرمایشات معصومین در طول تاریخ منجر به پیدایش فرقه‌ها و نحله‌های منحرف شده است. از این رو اندیشه وران و حدیث پژوهان مسلمان از همان آغاز صدور حدیث، دغدغه مهمی در کشف و شناسایی مراد و مقصود معصوم داشته‌اند. درک صحیح و معتبر از روایات نیازمند منابع معتبری است که بی توجهی به آنها سبب عدم فهم و یا برداشت اشتباه از احادیث خواهد شد. محدثان و علما در طول تاریخ همواره از قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع دین شناسی و باورهای کلامی با عناوینی چون مسلمات دینی و مذهبی و ضروریات مذهب در فهم و درک روایات بهره برده‌اند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که با استفاده از قرآن می‌توان بسیاری از روایات نادرست، مرجحات احادیث و احتمالات موجود در معانی احادیث را تشخیص داد و با استناد به باورهای کلامی به وجه دیگری از معانی روایات دست یافت.	قرآن، حدیث، کلام، فقه الحدیث تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰ مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

کلمه فقه در لغت به معنای فهم شامل فهمی عمیق همراه با غور و به اعماق رسیدن است حدیث در لغت به معنای جدید خبر و سخن آمده است ولی در اصطلاح کلامی را گویند که از قول یا فعل یا تقریر معصوم حکایت کند. فقه الحدیث علمی است که علاوه بر شرح لغات حدیث در صدد فهم صحیح و عمیق از حدیث و معنای مستفاد از آن و استنباط مطالبی جدید نیز هست. در این علم از اطلاق و تقیید و عموم و خصوص و داشتن معارض و..... درباره حدیث بحث می‌شود. فقه الحدیث از ارزشمندترین علوم اسلامی است زیرا حدیث در اسلام دومین منبع فراگیری دین محسوب می‌شود و بدون آشنایی با سنت نمیتوان اسلام را شناخت. فقه الحدیث ما را با معنای متون حدیثی آشنا می‌سازد. (میرجلیلی، ۱۳۹۷ مقدمه)

عالمان اسلامی در طول تاریخ از دانش فقه الحدیث انتظار آن را داشته‌اند که وظیفه متن پژوهی در حوزه مطالعات حدیثی را بر دوش کشد. به بیان دیگر جایگاه فقه الحدیث در حوزه حدیث پژوهی کاملاً قابل مقایسه با جایگاه تفسیر در

حوزه قرآن پژوهی بوده است و از همین رو بجاست هدف از شکل گیری این دو علم در یک راستا لحاظ گردد. می توان گفت از دو دانش تفسیر قرآن و فقه الحدیث، مشترکاً این انتظار می رود که بتوانند در حوزه فهم متون دینی در دو عرصه قرآن و حدیث پاسخگو باشند. (پاکتچی، ۱۳۹۲)

منابع فقه الحدیث اموری است که اطلاعاتی پیرامون محتوا و معانی روایات در اختیار محقق حدیث قرار میدهد تا به مفاد واژه ها و جمله های حدیث پی برد. منابع فقه الحدیث ارتباط گسترده ای با قواعد فقه الحدیث دارند زیرا قواعد هستند که نیاز مراجعه به منابع فهم حدیث چون قرآن، سایر احادیث، سبب صدور و جز آن را مشخص می سازند. (میر جلیلی، ۱۳۹۷، ۲۰۷) درک صحیح و معتبر از روایات نیازمند منابع معتبری است که بی توجهی به آنها سبب عدم فهم و یا برداشت اشتباه از احادیث خواهد شد به عنوان مثال هرگاه قرآن و سنت را از منابع فقه الحدیث بشماریم با مراجعه به آن ها مطالب بسیاری پیرامون محتوای یک روایت می یابیم که در فهم معنا به ما کمک خواهند کرد (همان، ۲۰۸) در این پژوهش جایگاه قرآن در فهم صحیح روایات مورد بررسی قرار می گیرد؟

۲. پیشینه پژوهش

محدثان شیعه و سنی تلاشهای فراوانی در جهت ابهام زدایی و تبیین روایات انجام داده اند. این کوششها از شرحهای ساده بر یک حدیث در سالهای آغازین صدور احادیث آغاز می شود و به شرحهای بسیار بزرگ و مفصل در قرنهای بعد منجر می شود. در حوزه فقه الحدیث علاوه بر این منابع، کتابها و رسائلی نیز وجود دارد که به بررسی قواعد و روشهای فهم روایات می پردازد. بیشتر پژوهش ها درباره قواعد نقد محتوایی و مسائل مرتبط با نقد قرآن محور است که این امر هم در حوزه اهل سنت و هم تشیع دیده می شود. مانند منهج النقد عند المحدثین، مقایس نقد متون السنه، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه و ... همچنین چندین رساله دکتری و کارشناسی ارشد با عنوان معیار های فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان، مبانی و روشهای نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشمندان شیعه، بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن و مقالاتی همچون معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث تعریف شادی نفیسی، رابطه قرآن و حدیث تعریف مهدی مهریزی، رابطه کتاب و سنت تالیف مهدی نصیری، نقد متن پیشینه تاریخی تالیف مهدی مهریزی انجام شده است. (احمدی نورآبادی، ۱۳۹۳، ۱۶) و همچنین کتابهایی چون آسیب شناسی فهم حدیث از سید علی دلبری، عرضه حدیث بر قرآن از مهدی احمدی نورآبادی و فقه الحدیث و روشهای نقد متن از نهل غروی نائینی چنانچه ملاحظه می شود پژوهشی که به صورت جامع جایگاه قرآن را در علم فقه الحدیث نشان دهد کمتر انجام شده و یا بصورت بخشی و گذرا و در لا به لای مباحث مختلف و به تناسب به این مطلب پرداخته شده است.

۳. اهمیت قرآن

قرآن نوری است که در آن تاریکی یافت نمی شود و چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد. ریسمانی که رشته ی آن محکم و پناهگاهی که قله ی آن بلند و دریاییست که تشنگان آن آبش را تمام نتوانند کشید و شفا دهنده ایست که بیماری های وحشت انگیز را بزدايد. قرآن بهار دل چشمه های دانش سرچشمه ی عدالت و نهر جاری زلال حقیقت است (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸). قرآن نازل شد، تا مردم پروردگارشان را که نمی شناختند، بشناسند و پس از آنکه انکارش می کردند، به او اقرار آورند و پس از آنکه باورش نداشتند، وجودش را معترف شوند. پس، خداوند سبحان در کتاب خود

بی‌آنکه او را ببینند، خود را به بندگان آشکار ساخت. (همان خطبه ۱۴۷) خداوند بواسطه قرآن این نعمت لایتناهیش بر مومنین منت نهاد لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (آل عمران: ۱۶۴) این کتابی است که هیچ باطلی در آن راه ندارد و هر کس هدایت را از غیر آن جوید گمراه می‌شود (البیضانی، ۱۴۲۷، ۷۱)

۴. جایگاه قرآن در فقه الحدیث

اصل قرآن محوری در مطالعات دینی حدیثی ضرورتی انکارناپذیر است زیرا قرآن کتاب خدا نخستین منبع دین شناسی است که نه تنها تحریف و دسترسی در آن راه نیافته بلکه معیار تشخیص دسیسه‌هایی که بدخواهان می‌خواهند به بخش‌های دیگر دین وارد کنند قرآن معجزه جاویدان پیامبر گرامی اسلام و مهمترین دلیل حجیت سنت است قرآن وحی آسمانی، سند متواتر، جاوید و موقت اسلام است. (دلبری، ۱۳۹۱، ۶۹۳)

قرآن معیار اصلی سنجش محتوای احادیث و مهم‌ترین مأخذ و مرجع مورد استفاده در دستیابی به فهم صحیح از روایات است. تا آنجا که برخی از علما اسلام فهم حدیث را بدون توجه به قرآن نوعی خیانت به کتاب الهی دانسته‌اند. (میرجلیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۲) معصومان به عنوان کاملترین الگوهای عیارسنجی حدیث به جز معرفی معیار عرضه حدیث بر قرآن در مواضع مختلف ابتدا یا در نتیجه عرضه روایتی توسط یکی از اصحاب روایات را بر قرآن کریم عرضه کرده‌اند. این سیره معصومان علیهم السلام را می‌توان در گزارش‌های به جای مانده از برخی اصحاب ایشان نیز مشاهده کرد. به عنوان نمونه حضرت فاطمه سلام الله علیها روایت نحن معاشر الانبیاء لا نورث را که خلیفه نخست جهت خارج کردن فدک از اختیار ایشان به پیامبر (ص) منصوب کرد پس از عرضه بر قرآن کریم مخالف آیاتی از قرآن مانند یُرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیَا (مریم: ۶) معرفی و این روایت را غیرقابل حجیت برای خارج کردن فدک از اختیار خاندان پیامبر می‌داند. (دلبری، ۱۳۹۱، ۶۹۵) یا در روایتی دیگر خلیفه دوم به صورت مرفوع از پیامبر (ص) نقل می‌کند که ان المیت یعذب ببعض بکاء اهله مرده به واسطه برخی گریه‌های خانواده اش بر او عذاب می‌شود. ولی ابن عباس این روایت را به استناد آیه وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَی (النجم: ۴۳) رد می‌کند. (جمالی و همکاران، ۱۳۹۷)

نیاز به مراجعه به قرآن در فهم روایات از چهار جنبه قابل بررسی است:

- شرح و تفصیلات آیات قرآنی به کمک روایات (میرجلیلی، ۱۳۹۷، ۲۰۹)

- قرآن معیار تشخیص روایات درست از نادرست (همان، ۲۱۶)

- موافقت با قرآن یکی از مرجحات در تعارض احادیث (همان، ۲۲۶)

- قرآن معیار تعیین احتمال‌های گوناگون در معنای حدیث (همان، ۲۳۱)

۴. ۱. شرح و تفصیلات آیات قرآنی به کمک روایات

خداوند متعال تبیین و تفسیر کلامش را در قرآن به سنت پیامبر (ص) واگذار کرده و پیامبر (ص) نیز آن را قرین قرآن دانسته است: إِنْی قَدْ أَوْتِیْتُ الْقُرْآنَ وَ مِثْلَهُ مَعَهُ (دلبری، ۱۳۹۱، پیش گفتار) لذا مراجعه به قرآن در فهم روایات ضروری است زیرا قرآن کلیات اسلام را مطرح کرده و بیان جزئیات دین را به پیامبر اکرم واگذار نموده است وَأَنْزَلْنَا إِلَیْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (النحل: ۴۴) خداوند در این آیه روایات پیامبر را به منزله شرح و تفسیر آیات

قرآنی دانسته است از این رو درک ما از روایات بدون مراجعه به قرآن ناقص خواهد بود احادیثی که از ائمه اطهار علیهم السلام نیز به ما به دست ما رسیده به حکم حدیث ثقلین در جایگاه روایات نبوی قرار دارد بنابراین مراجعه به قرآن در فهم سخنان اهل بیت نیز ضروری است. علاوه بر تصریح قرآن کریم که در آیه فوق سنت پیامبر را شارح قرآن دانست در روایات فراوانی که از معصومین علیهم السلام رسیده است به منبع بودن قرآن اشاره شده است (میرجلیلی، ۱۳۹۴، ۱۵۴) بنا بر این یکی از راههای فهم صحیح متن حدیث، مراجعه به آیات قرآن کریم است، زیرا در قرآن هیچ خطا و اشتباهی راه ندارد و میتوان برای تبیین احادیث و رسیدن به معنای صحیح از آن، به آیات قرآن مراجعه کرد. (خدامیان آرانی، ۱۳۹۳) مراجعه به قرآن جهت شرح روایات در بین محدثین نمونه های فراوان دارد که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می نماییم. شیخ بهایی در موارد متعددی مضمون و مفاد حدیث و نیز برداشت خود از حدیث را به آیات قرآنی مستند و شواهدی از قرآن برای آن ذکر می کند. وی در توضیح حدیث انا السرور الذی کنت ادخلته علی اخیک المؤمن فی الدنیا می گوید: این حدیث بر تجسم اعمال در آخرت دلالت می کند... آن چنان که برخی از مفسران در تفسیر آیه شریفه یَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ (آل عمران: ۳۰) در آن روز هر کسی را که هر عملی خیر انجام داده است، حاضر می بیند و هر عمل بدی را نیز می یابد»، چنین گفتند و آیه شریفه یَوْمَئِذٍ یُصْذَرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّیُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا یَرَهُ وَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ؛ (الزلزال: ۸-۶) در آن روز مردم به صورت گروه های پراکنده (از قبرها) بیرون می آیند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. پس هر کس به اندازه ذره ای کار نیک انجام دهد، آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای کار بد انجام دهد، آن را می بیند»، بر این حقیقت دلالت می کند.

در جای دیگر می گوید: این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: فاطفوها بصلاتکم؛ با نمازتان آتش (گناه) را خاموش کنید»، به روشنی دلالت می کند که نماز گناهان را می پوشاند و از بین می برد و عقاب وعده داده شده را نیز برطرف می سازد. و بر این حقیقت، قرآن دلالت دارد: إِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئَاتِ؛ (هود: ۱۱۴) نیکی ها بدی ها را از بین می برد». مقصود از حسنات نمازهاست؛ چون آیه در این زمینه است. یا درباره معنای واژه فقه - که در حدیث اربعین آمده است سخنی را از بعضی از بزرگان نقل می کند که این واژه در عصر نخستین برای علم آخرت و معرفت دقیق آفات نفوس... به کار می رفت و آیه شریفه فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ (الفاطر: ۲۸)؛ «چرا از هر گروهی از آنان طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟»، بر این مطلب دلالت دارد؛ چون هدف از تفقه را انداز و ترساندن قرار داده است و روشن است که این هدف تنها بر معارف دین مترتب است، نه علم و آگاهی به فروع طلاق و مساقات و امثال آن. و نیز مراد از علم، اصطلاح جدید آن نیست که به معنای صورت ذهنی است، بلکه علم معنایی نزدیک به فقه دارد؛ چون این معنا موجب خوف و خشیت الهی است که در قرآن به آن اشاره شده است. شیخ بهایی در برخی موارد به نکته ای بلاغی در حدیث اشاره کرده و سپس آن را با آیه ای از قرآن تأیید نموده و یا برای کلمه در حدیث معنایی ذکر نموده و سپس شاهی از قرآن برای آن آورده است. (ریسیان، ۱۳۸۸)

یکی از ابزارهای سید مرتضی در تبیین معانی احادیث، استشهاد به آیات قرآن است؛ از جمله در تفسیر فقره اخیر حدیث إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أُدُومُهَا وَإِنْ قَلَّ فَعَلِیکُمْ مِنَ الْأَعْمَالِ بِمَا تَطِیقُونَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا یَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا می نویسد: نخستین وجه در تفسیر حدیث آن است که مراد، نفی ملل از خداوند متعال است. از آنجا که خداوند ابداً دچار

ملال نمی شود، آن را تعلیق به محال نموده است؛ چنان که خدای تعالی می فرماید: «وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ.. وجه سوم، آن است که خداوند فضل و احسان خود را از شما قطع نمی کند تا این که از سؤال کردن ملول شوید. عمل انسان ها حقیقتاً «مَلَل» است و فعل خداوند - با این که حقیقتاً مَلَل نیست - از باب ازدواج و مشابهت دو لفظ در ظاهر و لفظ، و به رغم اختلاف معنا مَلَل نامیده شده است. نمونه این اسلوب آیات زیر است: فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ (البقره: ۱۹۴) وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا (الشوری: ۴۰) و مانند سخن شاعر [عمر و بن کلثوم تغلبی]:

أَلَا لَا يَجْهَلُنَّ أَحَدًا عَلَيْنَا فَجْهَلٌ فَوْقَ جَهْلِ الْجَاهِلِينَ

که مراد کیفر بر جهل است؛ زیرا انسان عاقل به جهل افتخار نمی کند. به عقیده سید مرتضی، قرآن کریم و احادیث از نظر ویژگی های زبانی مانند استفاده از کنایه، تشبیه و مثل یکسان هستند. (خدایاری، ۱۳۸۳)

در آثار علامه مجلسی نیز استفاده از آیات قرآن در شرح برخی احادیث مشاهده می شود به عنوان نمونه در کتاب مرآة العقول از امام صادق (ع) حدیث مفصلی است که در بیان صفات مؤمن، میفرماید: وَ لَا يَصْرِفُ اللَّعِبُ حُكْمَهُ علامه در شرح این حدیث مینویسد: مراد از حکم حکمت است و دو معنا در اینجا محتمل است ۱. مومن به خاطر حکیم بودنش به لهو و لعب روی نمی آورد همانگونه که خداوند می فرماید: وَإِذَا مَرُّوا بِاللُّغُومِ مَرُّوا كِرَامًا (الفرقان: ۷۲) ۲. امور دنیایی باعث تغییر حکم مومن نمی شود همانگونه که خداوند می فرماید: وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ (العنکبوت: ۶۴) در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ دُنُوبًا بَدَّلَهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ الصَّدْقُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الشُّكْرُ. مجلسی ذیل این حدیث بیان می کند: عبارت بَدَّلَهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ اشاره به آیه قرآن کریم است که میفرماید: إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (الفرقان: ۷۰). (خدامیان آرانی، ۱۳۹۳)

همچنین استناد به آیات قرآن به عنوان اصلی مهم در فقه الحدیث در سراسر کتاب السماء و العالم علامه مجلسی به چشم می خورد. آغاز کردن ابواب السماء و العالم با آیات الهی، بیانگر دیدگاه علامه مجلسی مبنی بر مرجعیت قرآن کریم در کشف صدور و حجیت احادیث و نیز فهم درست روایات است. به عنوان مثال علامه مجلسی ذیل روایت امیرالمومنین که فرمودند صِيَاخُ الدَّيْكِ صَلَاتُهُ وَ ضَرْبُهُ بِجَنَاحِهِ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ این آیه را نشأت گرفته از آیه شریفه أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغْ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (النور: ۴۱) می داند. (شریفی، ۱۳۹۸)

سید عبدالله شبّر از آیات قرآن در موارد متعددی جهت رسیدن به فهم صحیح از حدیث استفاده می کند. وی در بسیاری از موارد آیات قرآن را شاخص فهم حدیث شناسانده است. بنا بر این، برداشت صحیح از حدیث را با توجه به مفاهیم آیات قرآنی بیان کرده است؛ برای نمونه در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است:

وَيَلِّ لِمَنْ غَلَبَتْ أَحَادُهُ عَشْرَاتُهُ. شبّر برای توجیه این حدیث مراد از آحاد را سیئات و مراد از عَشْرَاتِ را حسنات دانسته و به این آیه شریفه استناد می کند: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ. در این صورت، معنای حدیث آن است که: وای بر کسی که گناهانش بر نیکی هایش غلبه یابد. همو در حدیث «من عرف الحق لم يعبد الحق» در بیان یکی از وجوه، با استناد به آیه «قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ

العابدين» را به معنای «الجاحدين و لم يعبد الحق» را به معنای جحود و انکار و معنای حدیث را «من عرف الحق لم يجحده و لم ينكره» دانسته است. در موارد دیگر نیز شبر از آیات قرآن در جهت رفع تعارض استفاده می‌کند؛ مثلاً در حدیث عصمت انبیا، گناهای در نظر فرد سؤال کننده برای پیامبرانی چون یوسف و آدم و داود علیهم السلام شمرده شده است که با عقاید امامیه مبنی بر عصمت انبیا در تعارض است. وی استدلال می‌کند که اگر پیامبران گناهکار بودند، لازمه این امر غیر مخلص بودن آنان است؛ زیرا شیطان گناهکاران را اغواء کرده و کسی که از شیطان فریب بخورد مخلص نیست؛ حال آن که در قرآن کریم آمده است: «لَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذُكِّرَى الدَّارِكَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ» او در رد شبهه قایلان به قبح دوام عذاب در قیامت نیز، نص آیات و روایات را شاهدی بر ادعای خویش مطرح و بیش از پنجاه آیه را در اثبات دوام عذاب و استمرار عقاب، از قرآن ذکر کرده است. شبر در برخی موارد، با استناد به آیات قرآن در فهم مفردات حدیث و در نهایت، فهم حدیث کوشش کرده است؛ (فقهی زاده و همکاران، ۱۳۹۰)

فیض کاشانی در تفسیر صافی در مواضع متعددی روایات را با استفاده از آیات قرآن شرح می‌دهد گاه قرآن را مویدی برای روایت می‌گیرد که این مورد به طور معمول در بین سایر مفسران کاربرد دارد مثلاً درباره روایت امام صادق علیه السلام از کافی که فرمود ایمان آن است که آثار آن در دل و قلب انسان ثابت باشد اما اسلام آن است که ازدواج‌ها و ارث میراث بر آن جاری و خونها محترم شمرده می‌شوند می‌گوید این سخن را آیه قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا (الحجرات: ۱۴) بیان داشته است. (نبوی، ۱۴۰۰)

در کتاب وافی آمده که در روایت ابوبصیر نقل است که معصوم علیه السلام فرمود: اِنَّ الْمَيِّتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ شَهِيدٌ. قَالَ قُلْتُ: وَ اِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ؟ فَقَالَ اَيُّ وَاللَّهِ عَلَى فِرَاشِهِ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْزُوقٌ؛ کسی که با ولایت اهل بیت بمیرد شهید است. ابوبصیر می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: هر چند در بستر خود بمیرد؟ امام علیه السلام پاسخ داد: آری، به خدا قسم او شهید است و (به مانند شهدا) زنده است و نزد خدا روزی می‌خورد. فیض در تأیید مضمون این حدیث به آیه سوره حدید استناد می‌جوید که خداوند می‌فرماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ (الحدید: ۱۹)

آنان که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، صدیقان و شهدای نزد پروردگارشان هستند، برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان.

آن‌گاه روایتی از «محاسن» برقی نقل می‌کند که امام حسین علیه السلام تمام شیعیان خود را صدیق و شهید نامید. راوی از سخن امام تعجب کرد و پرسید: چگونه شهیدند با آنکه بیشتر آنها در رختخواب خود به مرگ طبیعی می‌میرند و در جبهه شرکت نکرده‌اند؟ امام علیه السلام فرمود: آیا آیه سوره حدید را نخوانده‌ای که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ...» (همان) (میرجلیلی، ۱۳۷۸، ۲۱۸)

وی در شرح حدیث الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النایبة و تقدیر المعیشه. عالی ترین درجه کمال انسانی سه چیز است داشتن دانش و بینش دینی و صبر بر مشکلات و میانه روی در زندگی. فیض مراد از تقدیر معیشت را میانه روی در زندگی می‌داند به طوری که انسان در مخارج زندگی نه به اسراف روی آورد و نه خسیس و بخیل باشد آنگاه به آیه ای از سوره مبارکه فرقان استدلال می‌کند (میرجلیلی، ۱۳۹۷ ص ۲۱۵) که خداوند در ستایش از بندگان خود می‌فرماید:

فرماید وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (الفرقان: ۶۷)

مجلسی اول نیز به این اصل توجه داشته به عنوان نمونه در لوامع صاحبقرانی، بعد از ذکر عبارت «قال ثم غَسَلَ وجهه فقال اللهم بیض وجهی يوم تَسود فيه الوجوه و لا تَسود وجهی ثم تبیض فيه الوجوه»، «یعنی پس روی خود را شستند و خواندند که خداوند اسفید کن روی مرا در آن روزی که روها سیاه خواهد شد، و سیاه مکن روی مرا در آن روزی که رویها سفید خواهند بود»، میگوید: و این اشاره است به قول الهی جل شانہ یَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌُ (آل عمران: ۱۰۶) و ذیل ثم غَسَلَ یدہ الیسری فقال اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا تجعلها مغلوله إلى عنقی و اعوذ بك رب من مقطعات النیران پس دست چپ را شستند و فرمودند که خداوند نامه عمل مرا بدست چپ من مده و مگردان دست مرا یا دست چپ مرا غل کرده در گردن من، می گوید: چنانکه از آیات و روایات ظاهر می شود آن است که دستهای کفار و فجار را در گردن ایشان غل کنند و نامه عمل را از پشت سر به ایشان دهند چنانکه در قرآن آمده أَمَا مِنْ أَوْتَى كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا وَ یصلی سعیرا (الانشقاق: ۱۰) (مجلسی، ۱۴۱۴، ۱/۴۰۴)

۲.۴. قرآن معیار تشخیص روایات درست از نادرست

علوم شرعی متکی و مستند بر وحی الهی یعنی قرآن کریم و سنت معصومین است و لازمه اعتقاد به علوم نقلی صحت منقولاتی است که این علوم بدانها مستندند. بسیار روشن است که قرآن به دلیل تواتر، نیازی به نقد و بررسی ندارد اما سنت را در این مقوله داستانی دیگر است. همزمان با حیات پیامبر (ص) اشتیاق مردم بر استماع و فراگیری هدایت آن بزرگوار عده ای را خواسته یا ناخواسته به تحریف گفتار آن بزرگوار واداشت. بعد از عروج آن حضرت نادیده گرفتن سفارشات او در تبعیت از اهل بیت (ع) و منع خلفا از کتابت حدیث تا حدود یک قرن راه را بر جعل، وضع و تحریف، نقل به معنا و آفات دیگری بر حدیث باز نمود و ضربات جبران ناپذیری بر اعتبار سنت وارد ساخت. ترغیب قرآن کریم به پیروی از سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و رهنمودهای آن بزرگواران در نقادی و بررسی روایات و احتمال وقوع جعل ارزیابی و نقد احادیث را اجتناب ناپذیر نموده است..

در منابع شیعی، روایات فراوانی در خصوص عرضه احادیث بر قرآن و در نتیجه، پذیرش احادیث موافق با کتاب و طرح احادیث مخالف یافت می شود. تعداد این احادیث - که از طرق مختلف به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر معصومان (علیهم السلام) رسیده است، به اندازه ای است که بعضی از محققان آنها را متواتر معنوی می دانند. (نوروزی، ۱۳۸۹)

در متون روایی امامیه، اهل سنت و زیدیه احادیث زیادی در ارتباط با ارزیابی حدیث با قرآن دیده می شوند. این دسته از احادیث به اعتبار اسناد شان به بیش از چهل و چهار روایت می رسند. (احمدی نورآبادی، ۱۳۹۳، ۱۳۱) به عنوان نمونه رُوی عَنِ النَّبِيِّ صَ وَ عَنِ الْأَيْمَةِ عَ أَنَّهُمْ قَالُوا "إِذَا جَاءَكُمْ مِنْنا حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَهُ فَاطْرَحُوهُ أَوْ رُدُّوهُ عَلَيْنَا" (طوسی ۱۴۰۷، ۲۵۷/۷) از رسول خدا (ص) و امامان علیهم السلام روایت شده است که فرمودند: هرگاه از ما حدیثی بر شما رسید، پس آن را بر کتاب خدا عرضه کنید. آنچه را که موافق کتاب خدا بود اخذ کنید و آنچه مخالف کتاب خدا بود یا رهایش کنید یا (علم) آن را بر ما برگردانید.

اعتبار احادیث عرض در دو حوزه شیعه و اهل سنت دو وضعیت متفاوت را نشان می دهد در حوزه شیعه این احادیث با دیده اعتبار نگریسته شده اند. این نگرش را می توان اکثر نزدیک به اتفاق عالمان آنان نسبت داد. عکس این وضعیت در حوزه اهل سنت روی داده است اکثر عالمان آن احادیث عرض را معتبر ندانسته اند این نوع نگاه در میان پیشینیان طرفدار بیشتری دارد. (احمدی نورآبادی، ۱۳۹۳، ۱۴۳)

این ملاک هم در اعتبار روایات بی معارض و هم در برخورد با روایات متعارض و ترجیح یکی از آنها باید مورد نظر باشد. (میر جلیلی، ۱۳۹۷، ۲۱۶)

چه بسا احادیثی که از نظر سند صحیح یا حسن یا موفق هستند، ولی مدلولشان مخالف کتاب خدا یا سنت پیامبر یا هر دوی آنهاست و این امر بدین سبب است که راویان از خطا و سهو و نسیان معصوم نیستند اگر چه در عظمت و جلالت و ایمان در بالاترین مقام باشند. (غروی نائینی، ۱۳۷۹، ۱۷۹)

عرضه احادیث بر قرآن در سیره ائمه علیهم السلام نیز به چشم می خورد: روایت منتسب به پیامبر اکرم با مضمون جمع نشدن نبوت و خلافت پس از ادعای تعدادی از صحابه و مخالفت حضرت علی با معنای روایت بر قرآن عرضه شده و رد شده است. (جمالی و همکاران، ۱۳۹۷)

روایت اگر امام را شناختی هر چه می خواهی انجام بده را امام صادق ضمن تایید صحت روایت، برداشت اشتباه عده ای که همان ترویج اباحه گری و هرج و مرج است را به دلیل مخالفت با قرآن تصحیح می کند. (همان)

همچنین در حدیث نقل شده که تنها نجات یافته از عذاب خلیفه دوم مسلمین است اما وقتی این روایت بر امام جواد عرضه می شود حضرت صحت آن را به دلیل مخالفت با نص آیه وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (الانفال: ۳۳) رد و آن را از امور محال می داند. (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/۴۴۹)

نیز در روایات آمده که مدت ساختن کشتی نوح ۲۰۰ سال، ۴۰۰ سال یا ۵۰۰ سال و غیره عنوان کرده اند وقتی این روایت بر امام صادق عرضه می شود حضرت مدت آن را ۸۰ سال بیان کردند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۸۱) و اشاره به قسمتی از آیه قرآن کریم می کنند که می فرماید أَنْ اصْنَعْ الْقُلُوكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا زِيرَ نَظَرٍ مَا وَحَى مَا كَشْتِي رَا بَسَا (مومنون، ۲۷) حضرت برای اثبات مخالفت قرآن با مدت طولانی ساخت کشتی نوح به این آیه از قرآن کریم استناد می کنند که بیان می کند که کشتی را به وحی ما یعنی به دستور خداوند بساز. (جمالی و همکاران، ۱۳۹۷) این آیه طبق دیدگاه بسیار از مفسرین در مقام تبیین این است که پس از اینکه حضرت نوح درخواست نصرت و یاری می کند خداوند می فرماید چون درخواست نصرت و یاری کرد پس به او وحی کردیم و معنایی کشتی ساختن در برابر دیدگان خدا این است که کشتی ساختنش تحت مراقبت و محافظت خدای تعالی باشد و معنای کشتی ساختن به وحی خدا ساختن کشتی تحت تعلیم و دستورات غیبی خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵ / ۲۹)

از ابن مسعود گزارش شده است. مردی از او پرسید: اگر مردی با زنی ازدواج کرد، ولی برایش مهریه معین نکرد و پیش از زفاف از دنیا رفت، [چه حکمی دارد]؟ ابن مسعود چنین گفت: این زن از شوهرش ارث می برد و باید به وی مهرالمثل پرداخت گردد. معقل بن سنان اشجعی وقتی این سخن را از ابن مسعود شنید گفت: رسول خدا (ص) درباره بروع، دختر واشق، که زنی از تیره ما بود، چنین قضاوت کرد. ابن مسعود از این سخن شادمان گشت؛ زیرا معقل به وی خبر داد که فتوایش با فتوای رسول خدا موافقت داشت. اما امیرالمؤمنین (ع) حکم داده است که: این زن ارث می برد، ولی مستحق

مهریه نیست و چنین فرموده است: سخن معقل اشجعی در برابر قرآن پذیرفته نیست. (بی‌هقی ۱۴۱۶، ۳۱/۱۱)
 لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ
 مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (البقره: ۲۳۶)

اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده و بر ایشان مهری [نیز] معین نکرده‌اید، طلاق گوید، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره‌مند کنید -توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود. [این کاری است] شایسته نیکوکاران

امام خمینی (ره) نیز به این اصل توجه ویژه دارد و می‌گوید: میزان در تشخیص صحت و عدم صحت و اعتبار و لا اعتبار حدیث، آن است که آنرا به کتاب خدا عرضه دارند و آن چه مخالف آن باشد باطل و زخرف شمارند. برای مثال امام وجوب تبعیت از سلطان را به دلیل عدم انطباق با قرآن نقد می‌کند. وی روایاتی به این مضمون که هر علمی در زمان غیبت بلند شود باطل است را با آیات امر به معروف و نهی از منکر منافی می‌داند و می‌گوید ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. (میرجلیلی، ۱۳۹۶)

روش محمدتقی مجلسی در لوامع صاحبقرانی به این شکل است که اگر آیه‌ای در ارتباط با روایت موجود باشد، آن را ذکر میکند و سپس روایت را بر آن عرضه میکند، گاه نیز به کمک همان آیه مراد متن روایت را حاصل میکند و به این وسیله صحت متن را احراز میکند. مجلسی برای نمونه بعد از ذکر حدیث «و قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فی امرأة ادّعت أنها حاضت فی شهر واحد ثالث حیض أنه تسأل نسوة من بطانتها هل کان حیضها فیما مضی علی ما ادّعت؟ فإن شهدن صدقت و إلا فهي كاذبة»، «یعنی حضرت صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه زنی ادعا کند که در یک ماه سه حیض دیده‌ام و عده‌ام سر آمده است، از زنانی که با آن زن معاشرت باطنی دارند سؤال میکنند که آیا پیش از این هم چنین می‌آمده است حیض او که در یک ماه سه حیض دیده‌باشد، اگر زنان شهادت بدهند تصدیق او میکنند و اگر نه دروغ می‌گوید. می‌گوید: و این حدیث به حسب ظاهر مخالف ظاهر آیه است که حق سبحانه و تعالی فرموده است: «... وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...» (البقره: ۲۲۸) عنی کتمان نکنند زنان چیزی را که حق سبحانه و تعالی در رحمهای ایشان آفریده است و اگر سخن ایشان مسموع نباشد، نهی از کتمان به حسب ظاهر بیفایده است. (فقهی زاده، ۱۳۹۲)

۳. ۴. موافقت با قرآن یکی از مرجحات در تعارض احادیث

در کلام بزرگان حدیث به موارد فراوانی برخورد می‌کنیم که موافقت با قرآن را یکی از ملاکهای ترجیح در باب تعارض روایات دانسته‌اند و به استناد آن روایات مخالف با نص یا ظاهر قرآن را مردود می‌دانند. (میرجلیلی، ۱۳۹۷، ۲۲۶)
 این امر در روایات وارده از اهل بیت (ع) نیز اشاره شده است. مثلاً در مقبوله عمر بن حنظله آمده است از امام صادق در مورد روایات متعارض و نحوه برخورد با آنها سوال شد آن حضرت فرمودند باید دقت کرد تا هر یک از روایات متعارض که حکم آن موافق حکم قرآن و سنت است مورد عمل قرار گیرد و حدیثی که حکم آن مخالف حکم قرآن و سنت است باید ترک شود (همان ص ۲۲۹)

از امام رضا (ع) نیز آمده است که فرمودند: پس هر گاه دو خبر مختلف به شما رسید، آن دو را به کتاب خدا، عرضه

کنید [و با آن بسنجید]. هر یک را که با حلال یا حرام موجود در کتاب خدا موافق بود، به آن عمل کنید. (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ۲۷/۱۱۸) در ذیل به برخی نمونه ها اشاره می کنیم:

راوی گوید به امام صادق گفتیم هرگاه به لباس مقداری شراب بریزد قبل از شستن می توانم با آن نماز بخوانم حضرت فرمود اشکال ندارد زیرا لباس مست نمی شود شیخ طوسی در استبصار پس از نقل روایات دیگر می گوید خداوند در قرآن خمر و شراب را حرام و نجس اعلام کرده است. پس این خبر مخالف ظاهر آیه شریفه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* (المائدة: ۵) است. (دلبری، ۱۳۹۱، ۶۹۵)

روایتی است که اگر زنی مردی را بکشد خود آن زن باید قصاص شود و ولی آن زن هم نصف دیه مرد را بپردازد شیخ طوسی فرموده است اولاً این روایت شاذ است غیر از ابی مریم انصاری آن را روایت نکرده است (متفرد است) اگرچه در کتاب ها تکرار شده و سند های مختلف دارد. ثالثاً مخالف بسیاری از اخبار است. رابعاً مخالف این ظاهر قرآن است *وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ* (المائدة: ۴۵) خامساً سند بسیاری از روایات تصریح دارد که انسان بیشتر از جان خود جنایت نمیکند پس اینگونه روایات باید رد شوند. (همان ص ۶۹۹)

شیخ طوسی در روایت های باب صحت وصیت برای وارث در کتاب شریف استبصار روایت عدم جواز برای وصیت در حال بیماری را موافق مذهب عامه و مخالف با آیه شریفه *كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ*. (البقره: ۱۸۰) می داند. (طوسی، ۱۳۹۰، ۴/۱۲۷)

همچنین در در باب بنده ای که به فرد آزاد تهمت زنا می زند روایتی که در آن اشاره شده که چهل تازیانه زده شود را خبر شاذ مخالف آیه *وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* (النور: ۴) می داند و به روایاتی که ۸۰ ضربه آمده عمل میکند. (همان ص ۲۲۹)

فیض کاشانی در کتاب شریف وافی روایتی از تهذیب نقل می کند که دلالت دارد بر اینکه زنی که شوهرش را در حال عقد و قبل از عروسی از دست بدهد عده وفات ندارد فیض معتقد است که این روایت قابل عمل نیست و فقها بر طبق آن فتوا نداده اند. علاوه بر آن مخالف قرآن و روایات فراوانی است که دلالت بر عده کامل وفات بر چنین زنی دارد و در نتیجه قابل پذیرش نیست. (میر جلیلی، ۱۳۹۷، ۲۲۹)

۴.۴. قرآن معیار تعیین احتمال های گوناگون در معنای حدیث

هرگاه در هنگام تفسیر یک حدیث احتمال معانی گوناگونی مطرح باشد که برخی از آنها مخالف با قرآن و برخی دیگر موافق آن هستند باید معنایی را پذیرفت که با قرآن مطابق باشد. (میر جلیلی، ۱۳۹۷، ۲۳۱)

به عنوان مثال شیخ صدوق در تبیین روایت *... فَإِنَّ الْقُرْآنَ كَلَامُ اللَّهِ مُحَدَّثٌ غَيْرُ مَخْلُوقٍ ...* که با روایات دیگر که بیانگر حادث بودن و غیر ازلی بودن قرآن است همخوانی ندارد معتقد است که واژه مخلوق در این حدیث به معنای دروغ می باشد و حدیث را اینگونه معنا می کند قرآن کلام خداست و دروغ نیست و به آیه *إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًا* (العنکبوت: ۱۷) آنچه را که شما سوای خدا می پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی سازید استناد می کند. (شریفی، ۱۳۹۸)

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «فاطمة خیر نساء امتی إلا ما ولدته مریم سید عبدالله شبر بهترین توجیه را معنا کردن إلا به واو می داند و به آیه ۱۵۰ از سوره بقره استشهاد می کند: *لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ*

ظَلَمُوا مِنْهُمْ» که درضمن آن، إِلَّا به معنای واو به کار رفته است. در این صورت، معنای حدیث آن است که بهترین زنان امت من و امت عیسی (که مریم او را به دنیا آورد) فاطمه است. دلیل این که امت عیسی را از بین سایر پیامبران ذکر کرد، کثرت زنان صالح و عابد در آن است. علی بن ابراهیم در تفسیر القمی، بحرانی در البرهان و شیخ طوسی در التبیان نیز إِلَّا را در این آیه به معنای واو دانسته‌اند. (فقهی زاده و همکاران، ۱۳۹۰)

معیار بودن قرآن برای شناسایی حق از باطل به طور کلی از بدیهیات دین اسلام است و قرآن مرجع و معیار تشخیص حق و باطل به شمار می‌رود در این زمینه نیز احادیثی مبنی بر مرجعیت قرآن برای ارزیابی روایات وجود دارد اساس کار علامه طباطبایی برای کشف و بیان معنا و مفهوم آیات نیز شواهد درونی آیه یا استفاده از آیات دیگر است. بنابراین هنگامی که روایات با این شواهد قرآنی هماهنگ باشد مورد پذیرش و تایید ایشان قرار می‌گیرد مولف المیزان ذیل آیه .. وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (المائدة: ۵) می‌نویسد: منظور از کفر به ایمان این است که آدمی به آنچه که می‌داند حق است عمل نکند لذا کفر به ایمان نیز در مورد کسی صادق است که همواره عمل به مقتضای ایمان خود را ترک کند و همیشه و به طور دائم بر خلاف علم خود عمل نماید سپس در بحث روایی چنین می‌آورد در تفسیر عیاشی از عبید بن زراره روایت شده که گفت من از امام صادق علیه السلام از کلام خداوند متعال سوال کردم حضرت فرمود: کفر به ایمان عبارت است از ترک عملی که یک مسلمان به آن اقرار دارد از این جمله است این که بدون بیماری و بدون داشتن موانع شاغله نماز را ترک کند طباطبایی پس از ذکر این روایت چنین می‌نویسد دلیل این که امام از میان همه مصادیق کفر به ایمان فقط ترک نماز را یادآور شده این است که خداوند متعال در کلام مجیدش نماز را ایمان خوانده و فرموده ... وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ (البقره: ۱۴۳) یعنی خداوند متعال هرگز ایمان شما- نماز شما- را بی‌اجر نمی‌کند. همچنین از آنجایی که تطابق و همسویی روایات با آیات قرآن محکم‌ترین دلیل بر صحت روایات میباشد مولف المیزان روایاتی که با معانی و مفاهیم قرآنی سازگاری داشته باشد را تایید می‌نماید. علامه ذیل آیات یا آیه‌ها الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... (البقره: ۱۸۳) و شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ... (البقره: ۱۸۵) چنین می‌نویسد در تفسیر عیاشی و قمی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود فرقان عبارت است از هر امر محکمی که در قرآن است و کتاب عبارت است از آن آیاتی که انبیای قبل را تصدیق می‌کند ایشان در تایید معنای واژگان روایات مذکور می‌نویسد خود کلمات فرقان و کتاب هم با معنایی که در روایت برای آنها شده سازگار است. (ناصری کریموند و همکاران، ۱۳۹۸)

۵. کلام و جایگاه آن در فقه الحدیث

یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی متن حدیث که پیشینه دیرینه‌ای دارد باورهای کلامی است. عالمان از گذشته تاکنون با تکیه بر باورهای کلامی به ارزیابی و نقد متن حدیث مبادرت کرده‌اند؛ (حسن بگی، ۱۳۹۶)

۵. ۱. تعریف باورهای کلامی

باورهای کلامی به آن دسته از باورها اطلاق می‌شود که باورمند به آن یقین دارد و خاستگاه آن عقل، نقل معتبر یا حسن ظن است. ضمناً باورهای کلامی به ساحت فکر و اندیشه و نه ساحت اعمال و مناسک تعلق دارد. باورهایی همچون عصمت پیامبر (ص)، علم امام (ع)، تحریف ناپذیری قرآن، عدالت صحابه و... از این قبیل‌اند. (همان)

با استفاده از باورهای کلامی گاهی برای برخی روایات تاویلاتی صورت می‌پذیرد و گاهی روایات به خاطر مخالفت با باورهای کلامی کنار گذاشته می‌شود.

۲.۵. نمونه ای از تاویل احادیث به کمک باورهای کلامی

-روایات مشتمل بودن قرآن بر ۱۷۰۰۰ آیه

عن أبي عبد الله ع قال: إن القرآن الذي جاء به جبرئيل ع إلى محمد ص سبعة عشر ألف آية (کلینی، ۱۳۶۳ ج ۲ ص ۶۳۴)

همانا قرآنی که حضرت جبرئیل (ع) برای پیامبر اکرم (ص) آورده بود، ۱۷ هزار آیه داشته است. مرحوم صدوق در کتاب اعتقادات الإمامیه می‌گوید: "اعتقاد ما این است که قرآنی را که خدا نازل ساخته بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم همین است که در میان مردم دو جلد است و این همین است که در دست مردم است و زیاده بر این نیست و عدد سورهایش نزد مردم یک صد و چهارده سوره است، و نزد ما الضحی و اللم نشرح یک سوره است و لایلاف و اللم تر کیف یک سوره و هر کس بما اسناد دهد که ما میگوئیم قرآن زیاده از این است آن کس دروغگو است. و هر چه روایت شده از ثواب خواندن هر سوره از قرآن و ثواب ختم کل قرآن و جائز بودن قرائت دو سوره در یک رکعت نماز نافله و منع از جمع دو سوره در یک رکعت فریضه شاهد قول ما است باین که همه قرآن همین قدر است که در دست مردم است.

و همچنین آنکه وارد شده از منع خواندن کل قرآن در یک شب و آنکه جائز نیست که ختم شود در کمتر از سه روز باز شاهد سخن ما است. بلکه می‌گوئیم بتحقیق که نازل شده از آن قبیل وحیی که قرآن نیست آن مقدار که اگر بقرآن ضم شود مبلغش هفده هزار آیه می‌شود، مثل قول جبرئیل علیه السلام برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که پروردگارت بتو می‌فرماید: یا محمد مدارا کن با خلق مثل آنکه من مدارا می‌کنم، و مثل قول او که: بپرهیز از عداوت مردم.... و مثل این کلامها بسیار است و همگی وحی است، لکن قرآن نیست، و اگر قرآن بود هر آینه قرین و وصل شده بود بآن نه جدا (ابن بابویه، ۱۴۱۴ ق ص ۸۵-۸۴)

-روایات سهو النبی

سهو النبی امکان خطا و فراموشی پیامبر (ص) در امور روزمره زندگی است. در مسئله سهو النبی، پرسش این است که آیا ممکن است پیامبران در عمل به احکام شرعی یا انجام امور عادی زندگی دچار اشتباه یا فراموشی شوند. برای مثال در نماز چیزی را فراموش کنند یا به اشتباه به کسی که از او هزار دینار قرض گرفته‌اند، صد دینار پس دهند. (سبحانی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۹۲) به عنوان مثال کلینی در کافی از امام صادق (ع) آورده که، پیامبر (ص) در رکعت دوم نماز ظهر به اشتباه سلام نماز را قرائت کرد و بعد که مسلمانان به او یادآوری کردند، نمازش را کامل کرد و دو سجده سهو به جا آورد. (کلینی، ج ۳، ص ۳۵۵).

نظریه سهو النبی در مذهب شیعه دیدگاه پذیرفته‌شده‌ای نیست. شیخ مفید، علامه حلی، محقق حلی و شهید اول قائل به آن نیستند. (سبحانی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۰۴)

اما این نظریه موافقانی نیز دارد از جمله شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه، از دیدگاه سهو النبی دفاع کرده و مخالفان آن را غلات و اهل تفویض دانسته است. به باور وی پیامبر در امر تبلیغ دین معصوم است، اما در دیگر امور مانند

نماز خواندن، مثل مردم عادی است و ممکن است دچار خطا شود. البته صدوق سهو پیامبر را مانند سهو دیگر انسان‌ها نمی‌داند بلکه ایجاد سهو برای پیامبر را از سوی خدا می‌داند (إسهاء) تا اینکه مقام پیامبر با مقام ربوبیت اشتباه نشود. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق ج ۱ ص ۳۶۰)

-روایاتی که ظاهرشان با عصمت ائمه در تضاد است

پاکی امامان شیعه از هرگونه گناهان کبیره و صغیره و اشتباه عمدی و سهوی و نیز فراموشی از اعتقادات شیعه است. به نقل علامه مجلسی، امامیه اتفاق نظر دارند که ائمه (ع) از همه گناهان، کبیره و صغیره، چه از روی عمد و چه سهو، و هر گونه خطا و اشتباه معصوم هستند. (مجلسی ۱۴۰۳ ق ج ۲۵ ص ۲۰۹) عصمت ائمه (ع) یکی از مبانی کلامی علم اصول فقه شیعه است؛ زیرا با اثبات عصمت ائمه، سنت امام، در اصول فقه به عنوان یکی از منابع استنباط به رسمیت شناخته می‌شود.

برخی از روایات در ظاهر با عصمت ائمه در تضاد است. از جمله این سخن امام علی (ع) که خطاب به یارانش فرمود: «...فَلَا تَكْفُؤْا عَنِّي مَقَالَهٖ بِحَقِّ اَوْ مَشُورَةً بِعَدْلٍ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ مَا اَنْ اُخْطِئَ وَلَا اَمِنْ ذَلِكَ مِنْ فَعْلِي اِلَّا اَنْ يَكْفِيَ اللّٰهُ مِنْ نَفْسِي...»؛ از گفتن حق و مشورت عادلانه خودداری نکنید. به راستی من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم مگر اینکه خدا مرا حفظ کند. (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۸، ص ۳۵۶)

علامه مجلسی عبارت امام را به تواضع او برای ترغیب یاران خود به انعطاف‌پذیری در پذیرش حق و اقرار به اینکه عصمت از الطاف الهی است، تفسیر کرده است. (مجلسی ۱۴۰۴ ق ج ۲۶ ص ۵۲۷)

آیت الله مکارم شیرازی معتقد است، جمله «فَأِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ مَا اَنْ اُخْطِئَ» که دستاویز مخالفان عصمت قرار گرفته، با عبارت «إِلَّا اَنْ يَكْفِيَ اللّٰهُ مِنْ نَفْسِي» تفسیر می‌شود. امام در جمله نخست می‌گوید من به عنوان یک انسان، ایمن از خطا نیستم؛ اما با جمله دوم می‌فهماند که مورد حفظ و حمایت الهی است و یک انسان عادی نیست. افزون بر این، امام در مقام تعلیم و تربیت اصحاب خویش است و به آنها می‌آموزد که در هر لحظه احتمال خطا وجود دارد و خود را از روی تواضع در زمره آنان قرار می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۸، ص ۲۶۹)

۳.۵. نمونه ای از رد احادیث به کمک باورهای کلامی

نمونه اول: امام علی علیه السلام و نماز بی‌وضو خواندن
امام صادق علیه السلام می‌فرماید علی علیه السلام نماز ظهر را در مسجد به جماعت خواند سپس جارچی اعلان کرد که امیرالمومنین علی علیه السلام نماز را بدون وضو خوانده همگی نماز خود را اعاده کنید و حاضران به غائبان برسانند این حدیث را شیخ طوسی بر پایه باور کلامی یعنی عصمت امام علی علیه السلام از سهو رد کرده است
نمونه دوم امام علیه السلام و فروش خرما به شرابساز

رفاعه می‌گوید در محضر امام صادق علیه السلام بودم که کسی از امام پرسید آیا می‌توان خرما را به شراب ساز فروخت امام در پاسخ او فرمود معامله مذکور حلال است ما هم چنین کاری می‌کنیم این حدیث با وجود سند صحیح به دلیل اشتغال بر کمک کردن به گناه از سوی معصوم و تعارض آن با مبرا بودن امام از اعانه بر اثم طرد شده است. (حسن بگی، ۱۳۹۶)

۶. نتیجه گیری

حدیث و سنت بیانی برای قرآن و تفسیر کلام خداوند سبحان و متمم قوانین ضوابط و حقایق مخفی در قرآن مجید است و نیز تفصیل و بیان بسیاری از مطالب مجمل و تفسیر برای بطن های قرآن و مقید کردن موارد مطلق آن و بیانی برای بسیاری از مفاهیم به ظاهر غریب است. از آنجا که در گذر زمان به دلایل گوناگون احادیث از تغییر و تحریف برکنار نمانده، بهره برداری از آن در تبیین ارزشها و احکام دین، نیاز به تحلیل و تشریح فنی و عالمانه دارد. از مجموع احادیث و اخبار متعدد میتوان در یافت که فهم صحیح و درست از سخنان پیامبر و معصومان مورد نظر آن بزرگواران بوده و در این خصوص رهنمودهای لازم را ارائه کرده اند. درک صحیح و عمیق و معتبر از روایات نیازمند منابع معتبری است که عدم توجه به آنها منجر به کج فهمی و برداشت های اشتباه از احادیث خواهد شد چنان که بیان شد یکی از این منابع قرآن کریم می باشد که معتبرترین منبع در علم فقه الحدیث می باشد. زیرا قرآن به علت تواتر، دارای سند قطعی و حجیت ذاتی است و لذا مهمترین مدرک و معیاردینی است. قرآن کریم در شرح و تفصیل روایات، تشخیص روایات درست از نادرست، تشخیص مرجحات در تعارض احادیث و تعیین احتمال های گوناگون در معنای حدیث استفاده می گردد و علما و محدثین همواره از قرآن در جهت تبیین معانی روایات و دیگر موارد ذکر شده بهره جسته اند. شایان ذکر است که باورهای کلامی همواره در طی تاریخ جهت فهم، نقد یا رد احادیث استفاده می شده است.

۷. منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. ابن حنبل الشیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند/ احمد بن حنبل، بیروت، دارالفکر
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامیه، قم، ایران، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق
۴. ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر للنشر، ط ۱۴۱۶، ۱ ق
۵. احمدی نورآبادی، مهدی، عرضه حدیث بر قرآن، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش
۶. البیضانی، قاسم، مبانی نقد متن الحدیث، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۷ ق
۷. پاکتچی، احمد، نسبت میان فقه الحدیث و تفسیر قرآن، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ ش
۸. جمالی، احمد و همکاران، "واکاوی مبانی مرجعیت قرآن در نقد حدیث بر پایه سیره معصومان (ع)"، دوفصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۶-۷
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، مهر، ۱۴۱۲
۱۰. حسن بگی، علی، "جایگاه و نقش باورهای کلامی در نقد حدیث و آسیب های آن"، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات فهم حدیث، سال سوم شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶
۱۱. خدامیان آرانی، علی اکبر، "روش فقه الحدیثی علامه مجلسی (ره) در مرآة العقول"، حدیث حوزه، بهار و تابستان ۱۳۹۳ صص ۹۳-۱۱۵

۱۲. خدایاری، علی نقی، "منابع و ابزارهای فقه الحدیث در امالی سید مرتضی"، علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۷-۵۴
۱۳. دلبری، سیدعلی، آسب شناسی فهم حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۱
۱۴. ربیسیان، غلامرضا، "راهکارهای فهم حدیث در کتاب الاربعون حدیثاً (اربعین) شیخ بهایی"، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۲-۳
۱۵. سبحانی، جعفر، عصمة الانبیاء فی القرآن الکریم، قم، مؤسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۴۲۰ ق
۱۶. شریفی، محمد و همکاران، "روش و مبانی فهم حدیث علامه مجلسی در کتاب السماء و العالم"، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات فهم حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش، صص ۲۵۹-۲۳۹
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
۱۸. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن؛ الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق
۲۱. غروی نائینی، نهل، فقه الحدیث و روشهای نقد متن، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ ش
۲۲. فقهی زاده، عبدالهادی، عماری الهیاری، زهرا، "مبانی فقه الحدیثی سید عبدالله شبر در مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار"، علوم حدیث، شماره چهارم، ۱۳۹۰ ش، صص ۸۹-۷۰
۲۳. فقهی زاده، عبدالهادی و همکاران، "روش محمدتقی مجلسی در شرح روایات در لوامع صاحبقرانی"، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش، صص ۱۷۵-۱۴۱
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر الائمة الاطهار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۲۶. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق
۲۷. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. میرجلیلی، علی محمد، روش و مبانی فقه الحدیث، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۹۷ ش
۳۰. میرجلیلی، علی محمد، مبانی و روش فهم و نقد حدیث از دیدگاه شیخ حر عاملی در الفوائد الطوسیة، میبد، انتشارات دانشگاه آیت الله حایری میبد، ۱۳۹۴ ش
۳۱. میرجلیلی، علی محمد، وافی مبانی و روشهای فقه الحدیثی در آن، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری رحمه الله، ۱۳۷۸ ش
۳۲. میرجلیلی، علی محمد و همکاران، "پیش فرضها و مبانی فهم و نقد روایات از دیدگاه امام خمینی (ره)"، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات فهم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش، صص ۷۹-۵۵

۳۳. ناصری کریموند، امان الله و همکاران، "مؤلفه‌های فقه الحدیثی تأیید روایات تفسیری در المیزان"، *آموزه‌های حدیثی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۴۷-۶۸
۳۴. نبوی، سیدمجید و همکاران، "واکاوی روش‌های فقه الحدیث فیض کاشانی در تفسیر صافی"، *دوفصلنامه تفسیرپژوهی*، شماره شانزدهم، ۱۴۰۰ ش، صص ۲۷۵-۲۹۸

